



چه کسی آنتی وپروس زبان و خط فارسی را آپدیت می کند؟

کسانی است که تحت نفوذ زبان فارسی چنین می نوشتند. یا می گوید: «سُرَّ مَنْ رَأَى» درست است نه «سامرآ»؛ جمع ارض، «ارضون» است نه «اراضی»؛ جمع حاجت، «حوایج» نیست بلکه «حاجات» است. و تصحیح بسیاری اغلاط دیگر که در کتابت عربی در قرن ۵ و ۶ رایج بوده و حریری آنها را در ۲۲۲ مورد ذکر کرده است.

در این باره به فارسی هم کتاب‌هایی از جمله آیین دبیری تألیف محمد بن عبدالخالق میهنی در قرن ششم نوشته شده. این کتاب که در فن انشاء و نامه‌نگاری است، راه‌های درست نوشتن و پرهیز از غلط‌نویسی را بیان کرده است. برای مثال می‌گوید اسم‌های مرکب که معنای مستقل دارند باید پیوسته نوشته شوند؛ مثل «ملکشاه» که بر ذات تنها — به تعبیر او — دلالت می‌کند، ولی «خوارزمشاه» که متشکل است از دو جزء با معانی مستقل، باید ناپیوسته نوشته شود. میهنی در مقدمه کتاب خود می‌افزاید:

در پارسی تاء تأنیث دو قسم است: آنچه در لفظ گفته

شاید خوانندگان محترم گمان کنند در پس درج عنوان / تیتیر پارادوکسیکال (متناقض‌نمائی) این نوشته قصد و غرضی نهفته است و چه بسا حتی آن را نقض غرض بینگارند. این قصه زخم کهنه‌ای است که هر از گاه عود می‌کند و یادآور دردها و آلام فرهنگی دلسوزان می‌شود. اخیراً به مناسبتی کتاب دره‌الغواص فی اوهام الخواص حریری — مؤلف کتاب مقامات — در فن انشاء را ورق می‌زدیم؛ دیدم قدمای ما چه حرص و کوششی در حراست از زبان و خط و کتابت و چه اهتمامی به درست نوشتن داشته‌اند. مثلاً حمزه اصفهانی التنبیه علی حدوث التصحیف را نوشت؛ ابوهلال عسکری الفروق فی اللغة را، ابن لالی بالی کتاب خیر الکلام فی التقصی عن اغلاط الخواص را؛ رضی الدین کتاب سهم اللاحاظ فی وهم الالفاظ را و این سکیت اصلاح المنطق را. و ده‌ها کتاب دیگر نیز به زبان عربی و برای صیانت از آن نوشته شده است. حریری در دره‌الغواص می‌گوید: «داوود، طاووس، مشووم، مسووم صحیح است نه داود و طاوس و مشووم و مسووم» که گویا انتقاد او متوجه

روشنفکران با ترجمه آثار ادبای مغرب‌زمین، دانسته یا نادانسته بسیاری از کلمات و تعابیر و واژگان اروپایی را به زبان و ادبیات فارسی و گویش و نگارش ایرانیان وارد کردند و متأسفانه مقابله آگاهانه و مؤثری هم با این رویه صورت نگرفت؛ چنان که امروزه هیچ کس قادر نیست به جای تلویزیون، رادیو، تلفن، مایکروفر، ویدئو، زیراکس، کیپی، پیتزا و هزاران واژه وارداتی از این دست، واژگانی دیگر را جایگزین کند. البته بعد از انقلاب، فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش‌ها و موضوعات مختلف دست به برابرگذاری و معادل‌سازی‌های گسترده زد و کوشش‌های پرثمری انجام داد؛ اگر چه هجوم اصطلاحات غربی و حتی کراهی و چینی به قاموس جامعه و فرهنگ ما چنان وسیع است که می‌طلبد فرهنگستان از کارشناسان زبده، چابک، مسئولیت‌پذیر و متخصص بیشتری بهره بگیرد و تلاش خود را دوچندان کند تا از حریف جهانی خود عقب نماند. طبعاً این یک کار کاملاً حرفه‌ای است که البته خالی از اشکال نمی‌تواند باشد؛ مثلاً این پسوند «انه» با تنافری که در برخی کلمات (مثلاً یارانه و رایانه) دارد، گاه کار دست بعضی‌ها می‌دهد و این دو کلمه، از روی جهل یا غفلت، فراوان به جای هم به کار می‌روند. خودم درجایی شنیدم که مدیر کلی ضمن سخنرانی درباره طرح هدفمند کردن یارانه‌ها می‌گفت: «به همه مردم رایانه می‌دهیم!»

اما در شرایط جدید تهدیدهای جدیدی در حال وقوع است. چند سال پیش استاد نجفی، کتاب غلط‌نویسیم را نوشت؛ البته پیش‌تر.

به هر روی می‌توان گفت استاد ابوالحسن نجفی، میهنی زمان ماست. او توانست گوشه‌ای از کجروی‌ها و انحرافات در زبان فارسی را گوشزد کند. هر چند برخی از زبان‌شناسان اشکالاتی را به کار او وارد می‌دانستند، ولی غلط‌نویسیم تأثیر خود را در میان ادبا و نویسندگان و اهل قلم گذاشت. همه سعی می‌کردند درست بنویسند. مثلاً فرق بها و بهاء را بدانند. یا پیژامه را به کار نبرند. او می‌گوید «پیژامه» در اصل «پای‌جامه» بوده که از زبان فارسی به هندی و از هندی به فرانسه و از فرانسه به انگلیسی رفته و سرانجام دوباره وارد زبان فارسی شده. چه چرخش عجیبی! استاد ابوالحسن نجفی با این کتاب خدمت بزرگی به زبان فارسی کرد و گام مؤثری برای پالایش آن برداشت.

می‌شود، تاء را کشیده می‌نویسند؛ چون دولت و سلامت و عافیت. و آنچه به لفظ نیاید، تاء را گرد نویسند؛ چون حجره و مناظره و فایده. هر اسم که در او دو «واو» گرد آید، چون داود و طاوس، در پارسی یکی حذف کنند.

حال بد نیست مروری کنیم بر تاریخچه زبان و خط فارسی و دامنه نفوذ آن در طول تاریخ. زبان و خط هر ملتی ممتازترین شاخصه هویت ملی و فرهنگی آن ملت است. زبان فارسی با پیشینه درخشان بیش از ۲۰۰۰ ساله و خط فارسی با دیرینگی کمتر، با تحولاتی که از آرامی، پهلوی، کوفی، نسخ کوفی، نسخ، تعلیق، نسخ تعلیق (= نستعلیق)، شکسته نستعلیق و... داشته، از کهن‌ترین زبان‌ها و خطوط کتابتی در تمدن بشری به‌شمار می‌روند. نفوذ فرهنگ ایرانی در کشورهای همسایه باعث ورود این زبان و خط به فرهنگ‌های دیگر نیز شده است؛ به طوری که خط فارسی و نسخه‌های خطی فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان، آناتولی و آسیای صغیر (ترکیه فعلی)، ماوراءالنهر تا کاشغر و چین و ماچین وجود دارد و مردمان این سرزمین‌ها به زبان فارسی تکلم می‌کرده‌اند و بعضاً همچنان تکلم می‌کنند.

به علت همین نفوذ تأثیرگذار فرهنگی، زبان فارسی، زبان مفاخر و فضلا و ادبا و شعراء و والیان و سلاطین در شبه‌قاره و در میان سلاجقه روم و آناتولی بوده است. سلطان سلیم و سلطان مراد دیوان شعر به زبان فارسی داشتند و با شاه اسماعیل به فارسی مکاتبه می‌کردند. در شبه‌قاره نیز هر چند مردم به زبان بومی خود تکلم می‌کرده‌اند، اما اگر کسی قصد ورود به حلقه عالمان و شاعران می‌داشت، یادگیری زبان فارسی را وجهه همت خود می‌ساخت و فارسی‌دانی را برای خویش مایه مباهات می‌شمرد.

این تفاخر به زبان فارسی، حتی در زمانی که خسرو پرویز حاکم حیره (عراق کنونی) بود و ادبا و شاعران جاهلی چون نصر بن حارث و اعشی به دربار او رفت‌وآمد می‌کردند وجود داشت؛ چه اینان برای خودنمایی در میان اقران اشعار خود را با واژگان فارسی کهن متحلی و آراسته می‌کردند.

در یکصدساله اخیر، خط و زبان فارسی دچار کژتابی‌ها و تهدیدهایی شد و به سبب انحرافات سیاسی و شلختگی‌های فرهنگی، عده‌ای زمینه‌های تغییر خط فارسی را فراهم کردند و به این کجروی‌ها دامن زدند. از سوی دیگر گروهی از

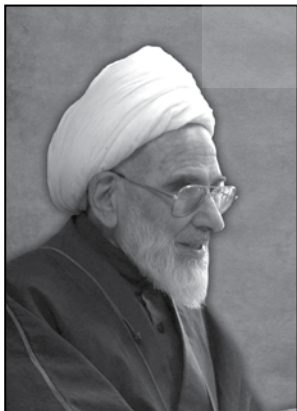
اتاق‌های گفت‌وگو (چت روم‌ها)، جوان‌ها به زبان محاوره (شکسته) گپ می‌زنند و این شکسته‌گویی و شکسته‌نویسی به مرور به زوال خط و زبان فارسی خواهد انجامید. چه باید کرد؟ این سؤالی است که باید همه درباره آن فکر کنیم و راه حلی بیابیم. باشد تا جوانمردانی چون استاد نجفی پیدا شوند و برای نجات خط و زبان فارسی از این آلودگی‌های اینترنتی، آنتی‌ویروسی بسازند که درجه انحراف و آلودگی آن به حداقل ممکن برسد.



سردبیر

اکنون با ورود شبکه جهانی وب به تمام عرصه‌های زندگی، دیگر مسأله خط و زبان فارسی یکی از ده‌ها مسأله فرهنگی جامعه ماست. بازی‌های رایانه‌ای، گوشی‌های تلفن همراه، دستگاه‌های پیشرفته الکترونیکی از قبیل ایکس‌باکس، ام‌پی.تری‌پلیر، آی‌پاد و... اقلامی هستند که کاربردشان در جامعه ما هر روز بیش‌تر از دیروز رواج می‌یابد و از این حیث تفاوتی هم میان خرد و کلان نیست. از سویی به علت فقدان قلم (فونت)‌های فارسی در فضا‌های مجازی و ارتباطات الکترونیکی، اغلب ایرانیان — به‌ویژه در خارج از کشور — پیام‌ها و پیامک‌هایشان را به اصطلاح «فینگلیسی» می‌نویسند؛ یعنی فارسی را با حروف انگلیسی می‌نگارند. در

دریغ و درد



در گیرودار تنظیم و تبویب مطالب این شماره مجله بودیم که خبر درگذشت روحانی وارسته، دانشمند کتاب‌شناس و مصحح متون فلسفی و کلامی شیعی، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین شیخ عبدالله نورانی در سوگمان نشانند. تنگی مجال ما را نگذاشت که در یادکرد و بزرگداشت مقام او — که از بنیادگذاران بنای میراث مکتوب و حامیان آن نیز بود — گامی چنان که می‌شاید برداریم؛ به‌ناچار، ضمن تسلیت‌گویی این ضایعه به اهالی فکر و فرهنگ، این مهم را به مجالی فراختر وامی‌نهیم.

از همین‌جا دست همه دوستانی را که مایلند سهمی در بزرگداشت نام او داشته باشند به گرمی می‌فشاریم و مقدم قلمشان را در شماره آینده مجله گرمی می‌داریم.